

یادداشتی

## درباره رساله عروض

منسوب به ادیب صابر یارشید و طواط

بقلم آقای دکتر پرویز نائل خانلری

استاد دانشکده ادبیات

در شماره سوم سال نهم مجله دانشکده ادبیات مقاله‌ای از دوست دانشمند آقای مجتبی مینوی مندرج بود با عنوان «رساله‌ای در باب اوزان شعر عربی و فارسی» و طی آن متن رساله مختصری که به ادیب صابر ترمذی یا خواجه رشیدالدین و طواط منسوب است از روی دونسخه مضبوط درموزه بریتانیا و کتابخانه دیوان هند تصحیح و نقل شده بود .

ظاهراً رساله که بسیار مختصر و تقریباً همه نسخه‌های موجود از آن دارای اغلاط فراوان است چندان جلب اعتنا نمی‌کند . اما انتساب به یکی از دو شاعر و ادیب زبردست قرن ششم خود کافی است که آنرا مورد توجه قرار دهد تا بتوان بعضی نکته‌های تاریخی درباره چگونگی علم عروض در این زمان از آن استخراج کرد .

نگارنده در طی سالهایی که به تحقیق در باره وزن شعر فارسی اشتغال داشت در مجموعه‌های متعدد خطی به چندین نسخه از این رساله برخورد کرده است و چون همه مغلوپ بود در کار خود از آنها بهره‌ای نبرد و به همین سبب نشان آنها را ثبت نکرده و به یاد نسپرده است .

امادرمیان کتبی که اکنون در اختیار دارد مجموعه‌ای هست از رسائل مختلف که تاریخ تحریر ندارد ولی ظاهراً در قرن دوازدهم هجری نوشته شده است . در

آخر این مجموعه که بیشتر رسالات مندرج در آن مربوط به علم عروض یافنون دیگر ادبی است رساله مورد بحث نیز درج شده است. در صدر این نسخه پس از سمله چنین نوشته شده است: «هذه رسالة في فن العروض من تصانیف مولانا رشیدالدین الوطواط رحمة الله عليه». پس از آن، بدون هیچ مقدمه‌ای، به «بحر هزج مثنی» می‌پردازد و اوزان متداول عروض را چنانکه در نسخه مصحح آقای مینوی و مندرج در مجله دانشکده ادبیات ثبت شده است می‌آورد، با این تفاوت که القاب هر وزن را بر حسب زحافات که در آنها راه یافته است مفصلتر و دقیق‌تر ذکر می‌کند. از این قرار:

[۱]

- (آ) بحر هزج مثنی سالم .  
 (ب) بحر هزج سدس محذوف عروض و خرب<sup>۱</sup>  
 (ج) بحر هزج مکفوف مثنی :  
 (د) هزج اخب مثنی محذوف عروض و خرب .  
 (ه) هزج اخب سدس مکفوف عروض و خرب .  
 (و) رباعی بیشتر بر این وزن آید و در بیان آن بیت دوم چنین است که درست تر می‌نماید :

هر رکن که بازحاف او بار آید تقطیع وی این چنین پدیدار آید

[۲]

- (آ) بحر رمل مقصور عروض و خرب .  
 (ب) رمل مخبون مثنی مقصور عروض و خرب .  
 (ج) رمل مخبون سدس مقصور عروض و خرب .  
 سپس وزن ذیل می‌آید که در نسخه مصحح آقای مینوی نیست:  
 رمل سدس مخبون محذوف عروض و خرب  
 دل من برد نگاری بهستم      شده شادی ز بر من به عدم

۱- این عنوان درست و کلمه «مخبون» در نسخه آقای مینوی خطاست .

فعالتن فعلتن فعلن شدم از عشق در آفاق علم

[۶]

(آ) عنوان بحر منسرح سالم برای این وزن درست نیست. در نسخه بنده مانند چند نسخه که آقای مینوی در حاشیه ذکر کرده اند «منسرح کبیر» نوشته شده است که لقب این وزن است. اما عنوان عروضی آن «منسرح مطوی» است زیرا که هر دو رکن آن یعنی «مستفعلن» و «مفعولات» به زحاف «طی» صورت «مفتعلن» و «فاعلات» یافته اند.

[۱۳]

نام این وزن در نسخه خطی «بحر طویل» ثبت است.

بجای مقدمه ای که در نسخه مصحح آقای مینوی آمده است در نسخه ما نحن فیه پس از ذکر امثله بحور سطور ذیل نوشته شده است:

«بدانکه هفت جزو که اجزاء اصلند (ظ: اصلیند) هفت بحر شوند، و اسامی آن بحور اینست: هزج و رجز و رمل و وافر و کامل و متقارب و مقدارک و وهم از ترکیب این اجزاء با یکدیگر دوازده بحر شوند: سریع و منسرح و مضارع و مجتث و مقتضب و طویل و مدید و غریب و قریب و مشاکل و خفیف. و این جمله نوزده بحر می شود. و پنج بحر خاصه عرب است که عجم در آن شعر کم گوید: وافر و کامل و طویل و مدید و بسیط. و سه بحر مخصوص عجم است که عرب در آن شعر نگوید: غریب و قریب و مشاکل. دیگر بحر ها مشترک است...»

سپس و سطر دیگر در دنبال این مطلب می آید که در آنها نویسنده به توضیح یک یک اصطلاحات می پردازد و معانی کلمات هزج و حذف و کف و خرب و خرم و رمل و رجز را می نویسد. یقین نیست که این قسمت هم جزء اصل رساله باشد و در هر حال ناتمام است.

اعتقاد بنده بر این است که رساله مورد بحث در اصل به این صورت نبوده و مقداری از مقدمه یا دنباله آن از میان رفته است. این نیز می تواند بود که مؤلف اصلی قصد پرداختن رساله ای داشته و قسمتی از آن را مسوده کرده و به اتمام آن مجال نیافته باشد.